

اشک سرخ زرد زرد	زار سن غنم در در	غفران پتروشک بهتر دان	چون کئی بجز اینه اینر نشان
ای سرخش اندم بقدری	بچو ک صفت کلون پختی	پس امان زنگه غدرک	که بقدر توبار در سنک
برگشتی تیغ در انوار	چهره زرم کلون کوی	صفت رنگ آفریم	
اشدای سر دسم در پسته	دید حیران رخ ز بنایت	ای تخت شمع شبنام	فانت سر در خاوان دلم
کر بین کار به شام لایق	ارز زنتی عجز از جاست	چون رخسار خندان کنشی	را در چشمه جان کنشی
ای سر هم بسیر خنق طلا	است بر کاغذ کلون عن	نیل و زلف کج پر پسته	چون زبیر به جگر پر پسته
خط برین گونه بود چمن	این گند خط عذار ترش	خوش تر در رنگ زنیه ای دوست	خط برین گونه طوطی دوست
چون شود بر ضمیر تو فردن	که بود که کج کلون	است زود که بود که به هم	چاشنی که در کفن به نام هم
اولا رنگ سیم لاک بکر	ز غفران زبرد در دار پسته	نست در روز بهر از نش کلج	زند که کاغذ بهر خندان

اعمال

Copyright © King Saud University